

بخش نخست

سرگذشت ملت یهود

و سرزمین اسرائیل



پروفسور امنون نتصر در این بخش از کتاب
از پیشینه‌ی یهودیان در درازای تاریخ
از هنگام شکل گرفتن به صورت یک ملت
تا بازگشت به استقلال ملی
سخن می‌گوید

گفت و گوی پهل ویکم

چرا تاوان جنایات نازی مادر "هولوکاست" را اعراب باید پس دهند؟



مادر یهودی فرزندش را در آغوش می فشارد و سرباز جنایتکار نازی آنان را نشانه می رود

پرسش - بگذارید به عقب باز گردیم و دو پرسش مطرح سازیم که در رابطه با استقلال اسرائیل می تواند با هم مربوط باشد: در جریان این گفت و شنودها، شما بارها به فاجعه کشته شدن شش میلیون نفر یهودی در جریان جنگ جهانی دوم به دستور آلمان هیتلری اشاره کردید. بسیار مهم است که به این پرسش پاسخ دهید که یهودیان از کجا می دانند که شمار این قربانیان شش میلیون نفر بوده است؟ چه مدارک و شواهد تاریخی برای اثبات این رقم وجود دارد؟ یک پرسش دیگر هم در همین رابطه دارم و آن این است که حتی اگر شش میلیون نفر یهودی در اروپا کشته شدند، این فاجعه چه حقی را به یهودیان می دهد که تاوان این جنایات را از فلسطینی ها مطالبه کنند؟ از اعراب بطلبند؟

پاسخ - با جواب به پرسش اول آغاز می کنیم: درست است که امروز شماری از یهودستیزان که نمی دانند چگونه کینه توزی خود نسبت به یهودیان را در لفافه بیوشانند.

مسلم آن است که امروز ملت های متمدن و مترقی تا حد زیادی گرایش های یهودستیزانه را مکروه و محکوم می دانند. بنابراین پاره ای از این انسان نماهای ضد یهود نمی خواهند نشان دهند که از ارزش های انسانی و اخلاقی به دور هستند، و برای آن که تظاهر کنند که آن ها نیز انسان های مترقی هستند، به جای آن که یهودستیزی را در همان پوشش سنتی و پیشین بروز دهند، می آیند و به آن شکل و صورت دیگری می بخشند.

آن ها می آیند و به جای آن که یهودیت و یهودی را به صراحت هدف افترا و اتهام قرار دهند، واژگان "صیونیسم" و "صیونیست" را که در عربی صهیونیسم و صهیونیست تلفظ می شود به کار می برند و از این جنبش ملی گرایی یهود و ناسیونالیسم آنان یک غول بی شاخ و دم می سازند و انواع انگ ها و لکه ها را به آن می چسبانند و برای برخی سوءاستفاده های سیاسی، آن را به خورد ملت خویش می دهند.

در این تلاش های تبلیغاتی که بوی متعفن یهودستیزی به خوبی از آن آشکار است، گاهی می آیند و ادعا می کنند که اصلا هولوکاستی روی نداده و این همه یهودی قربانی نشده اند، و یا اگر هم رخ داده شش میلیون نفر نبوده است.

گاهی می آیند و ادعا می کنند که: خیر، شش میلیون نبوده، یکی میلیون نفر بوده، یا پانصد هزار نفر بوده است.

از دیدگاه من، این موضوع شمار دقیق قربانیان اهمیت فرعی دارد که آیا شش میلیون را کشتند و یا کمتر را کشتند. با این همه باید بگویم که خود اسناد رسمی آلمانی ها تأیید می کند که شمار قربانیان یهودی در جریان هولوکاست دور و بر همین رقم بوده است.

اگر ما به این گونه افتراهای غیرانسانی میدان دهیم، و شمار قربانیان را بالا و پائین ببریم، مثلا یک عده بگویند که شش میلیون نفر خیلی زیاد بوده و باید سه میلیون بوده باشد، خوب، سه میلیون، انسان نیستند؟

این بی ارزش دانستن جان انسان ها و همچنین این تحقیر و دست کم گرفتن یهودیان در اروپای آن روز بود که موجب به وجود آمدن هیتلر و اندیشه نابودسازی یهودیان گردید. و این اندیشه شیطانی، آن هم در کشور متمدن آلمان به وجود آمد.

قوت قلب هیتلر در اندیشه نابود سازی یهودیان اروپا از آن جا بود که در اوائل جنگ جهانی اول، در امپراتوری عثمانی یک و نیم میلیون نفر ارمنی بی دفاع را قتل عام کردند. این فاجعه در سال ۱۹۱۵ رخ داد، ولی دنیا در برابر این جنایت دهشتناک ساکت ماند.

در سال ۱۹۳۳ سربازان عراقی تحت فرمان ملک غازلی که پسر ملک فیصل اول بود، دستور حمله به آسوری های عراق را صادر کرد و صدها مسیحی آسوری بی دفاع قربانی شدند و آن ها را به وضع فجیعی کشتند. در دنیا اصلا صدای اعتراضی علیه این جنایت بلند نشد.

دنیا همه این جنایات را نادیده گرفت، و بی تردید هیتلر و نازی ها هم به این واقعیت تکان دهنده توجه داشتند که دنیا این چنین نسبت به کشتار همگانی گروه های بزرگی از انسان های روی زمین بی اعتنائی کرده و توجهی به آن نشان نداده است.

روزنامه های آلمان این واقعیات را بازتاب دادند و نوشتند که یک و نیم میلیون نفر ارمنی در ترکیه امروز قتل عام شدند و صدای اعتراض کسی شنیده نشد. نتیجه؟ پس ما هم می توانیم این یهودیان را "که نژاد پست دارند و باید محو و نابود شوند"، به قتل برسانیم، "و بشریت را از شر آن ها برهانیم!!".

این افرادی که ادعا می کنند کشتار شش میلیون نفر دروغ بوده و مثلاً پنج میلیون نفر بوده، و حتی یک نفر بوده، این سخن نشان از ناانسانی بودن آن ها دارد و بس. مفهوم دیگری نمی توان برای آن قائل شد. اصلاً این موضوع مطرح نیست که آیا درست شش میلیون نفر بوده و یا صد نفر کمتر و یا صد نفر بیشتر. بلکه سخن در آن است که فاجعه ای در جامعه بشری رخ داده که شاید از نظر ابعاد، در طول تمام تاریخ انسانی سابقه نداشته است.

به جرأت می توان گفت که حتی در دوره مغول هم فاجعه ای با چنین ابعاد دهشتناک رخ نداده بود - در واقع می توان گفت که چنین فاجعه ای در هیچ دوره دیگر تاریخ اتفاق نیافتاده و در هیچ سرزمین دیگری به وقوع نپیوسته است و در تاریخ هیچ کشور دیگری اتفاق نیافتاده است.

این جنایت هونناک در کجا رخ داد؟ در کدام کشور و سرزمین بود؟ نه در جنگل های آفریقا که شاید هنوز آدمخوارانی در آن جا زندگی می کنند! نه در یک جزیره دور دست در قلب اوقیانوس که ذره ای از تمدن و ارزش های اخلاقی هنوز به آن جا نرسیده است!

کجا این جنایت بزرگ اتفاق افتاد؟

این فاجعه دهشتناک در همان قاره ای رخ داد که خود را تاج تمدن بشریت می دانست. یعنی اروپائی که در آن رنسانس زاده شده بود، اروپای میکلائز، آلمانی که گوته را به بشریت عرضه کرد. آلمانی که هگل فلسفه خود را در آن جا به وجود آورد. اروپائی که بتهوون در آن سمفونی های جاودان خویش را ساخت. در آن اروپای "متمدن" و در کشور "مترقی" آلمان بود که این فاجعه رخ داد.

سخن تنها از آلمان نیست، بلکه این جنایات در چندین و چند کشور دیگر نیز که با آلمان در جنگ همکاری می کردند، رخ داد. به شمار قربانیان یهودی در آن کشورها توجه فرمائید. این که می گویم آماری است که توسط پژوهشگران بی طرف در مورد تعداد کشته شدگان تهیه گردیده است. این آمار از اسناد و مدارک خود آلمانی ها و از آرشیوهای کشورهای جنگ زده مثل لهستان و مجارستان تهیه گردیده است.

در اتریش هنگام بروز جنگ جهانی دوم ۱۸۵ هزار نفر یهودی زندگانی می کردند. از این شمار، حدود پنجاه هزار نفر را به بازداشتگاه های مرگ فرستادند و یا به شیوه های دیگر به قتل رساندند.

از میان ۶۵ هزار نفر یهودیان بلژیک ۲۹ هزار نفر را به قتل رساندند.

در لهستان سه میلیون و سیصد هزار نفر زندگانی می کردند که سه میلیون نفر آنان قتل عام شدند.

در جمهوری های تحت تسلط اتحاد جماهیر شوروی یک میلیون و صد هزار نفر یهودی کشته شدند.

در مجارستان شمار قربانیان یهودی به ۵۵۰ هزار نفر رسید.

در آلمان، طبق آماري که من در دست دارم، ۵۶۶ هزار نفر یهودی زندگانی می کردند که بیش از ۱۴۱ هزار نفر آن ها کشته شدند.

شاید بپرسید که چگونه شمار قربانیان یهودی در داخل خود آلمان، از بسیاری کشورهای دیگر اروپای کمتر بوده است؟ پاسخ آن است که حدود سیصد هزار نفر از یهودیان آلمان که شاهد به قدرت رسیدن نازی ها و تهدیدات و آزارهای آن ها علیه یهودیان بودند، پیش از آغاز جنگ جهانی دوم آن کشور را ترک گفتند.

پرسش - بله، از سال ۱۹۳۳ که هیتلر به قدرت رسید و حزب نازی بر آن کشور مسلط شد.

پاسخ - تکرار می کنم، در آن سال ها ۵۶۶ هزار یهودی در آلمان زندگانی می کردند که تا سال ۱۳۳۹ و آغاز جنگ جهانی دوم سیصد هزار نفرشان ترک گفتند، ولی در هر حال ۱۴۱ هزار نفر کشته شدند.

در کشور کوچک هلند ۱۴۰ هزار نفر یهودی زندگانی می کردند، از روزی که نازی ها آن جا را اشغال کردند کشتار یهودیان آغاز شد و صد هزار نفر از آنان را به قتل رساندند.

در جمهوری لتونی، از میان ۱۶۸ هزار نفر یهودی، ۱۴۳ هزار نفر کشته شدند. این آمار واقعاً تکان دهنده است!

در کشور رومانی ۲۸۷ هزار نفر از میان ۶۰۰ هزار نفر یهودیان آن کشور را قتل عام کردند.

این ها فقط نمونه هایی از جنایات نازی ها و همدستان آن ها در چند کشور اروپائی در دوران جنگ بود. ولی شمار کل کشته شدگان، طبق آماري که به دنبال تحقیقات دانشمندان به دست آمده آن است که در کل اروپا در آغاز جنگ جهانی دوم ۱۱۷۹۶۰۸۴۰ نفر یهودی زندگانی می کردند که از میان آن ها ۵۸۶۰۱۲۰ نفر را نازی ها و همدستان آنان به قتل

رساندند. ظاهر ۱۴۰ هزار نفر از شش میلیون نفر کمتر است، ولی ابعاد فاجعه آن قدر بزرگ است که این ارقام مفهوم خود را به کلی از دست می دهد.

البته ارقامی نیز ارائه شده که شمار مقتولین را بالاتر از شش میلیون نفر ارزیابی کرده و ارقام دیگری از زیر شش میلیون نفر سخن می گوید.

در پاسخ به همه یاوه سرایانی که می گویند شش میلیون دروغ است و کمتر بوده و یا "هولوکاست اصلاً افسانه است"، باید یاد آوری کرد که تقریباً پنجاه درصد از یهودیان کل قاره اروپا توسط آلمان هیتلری و هم‌دستان آن نابود شدند.

پرسش - اجازه بدهید پرسش دیگر خود را مطرح سازم و سؤال کنم با وجود آن که نیمی از جمعیت یهودی اروپا نابود شدند، چرا تاوان آن را اعراب و فلسطینی ها باید بپردازند؟

پاسخ - اولاً فلسطینی ها نباید تاوانی از این بابت بپردازند و دوماً آن که فلسطینی ها هرگز چنین تاوانی نپرداخته اند و هر کس دو موضوع را با هم قاطی می کند، دروغ می گوید.

استدلال آن است که بازماندگان اردوگاه های مرگ، و همچنین آن یهودیانی که در سرزمین های عرب نشین هزاران رنج و مشقت تحمل کردند، نرفتند یک کشور مستقل و پایرجای عربی را انتخاب کرده و در آن جا زندگی کنند و سیادت آن کشور را سلب کرده و آن را به سیادت خود مبدل سازند. این یهودیان محنت زده نرفتند ساکن سوریه و لبنان و عراق و عربستان و مصر شوند.

امروز ما ۲۲ کشور عربی داریم. بازماندگان کوره های آدم سوزی، هیچ یک از این کشورها را برای اقامت خویش انتخاب نکردند و خود را به هیچ یک از آن کشورهای دیگر تحمیل نکردند. آن ها راه سرزمین پدری خویش را در پیش گرفتند، همان سرزمینی که بخش بزرگی از آن خالی و فاقد سکنه بود. اماکنی که سرزمین اجدادی آن ها بود. جاهائی که باتلاقی و بایر بود.

علاوه بر آن، در دوره ای که ما از آن سخن می گوئیم، یعنی بعد از جنگ جهانی دوم، آبادی های کشاورزی که یهودیان از اواخر قرن نوزدهم به بعد به مرور زمان در این سرزمین برپا کرده بودند، شهرهائی مثل تل آویو و ناتانیا و نهریا که یهودیان احداث کرده بودند، آن یهودیان آمدند و در این شهرها و شهرک ها و روستاهای یهودی نشین مستقر شدند و نه در خانه حتی یک نفر عرب.

مسلماً نیامدند اعراب را از نقاطی که در آن جا زندگی می کنند بیرون رانند و خودشان جای آن ها را بگیرند. این جا اصلاً مساله تاوان در میان نیست. کسی نباید تاوان بدهد. برعکس، با آمدن یهودیان پیشرفته از اروپا، که شمار زیادی دانشمند و تحصیل کرده در

میان آن ها بود، و بسیاری از آنان پزشک و مهندس بودند، این سرزمین شکوفا شد که عرب ها نیز از این نعمت برخوردار گردیدند.

یعنی در واقع عرب ها نیز از آمدن این یهودیان سود بردند و استفاده کردند. آن ها اصلاً تاوانی نپرداختند؛ و حتی اگر صحبت از پرداخت تاوان است، باید گفت که یک "تاوان مثبت" بوده است.

پرسش - ولی ادعا می شود که اگر هولوکاست رخ نمی داد، اروپا نمی آمد برای پرداخت تاوان به یهودیان در برابر زجری که کشیدند و قربانیانی که دادند، خاک فلسطین را به آن ها ببخشید و حقوق فلسطینیان را پایمال کند!

پاسخ - یادآوری می کنم که جنبش ملی و ناسیونالیستی یهودیان از اواسط قرن نوزدهم شروع شد و در اواخر همین قرن بود که جنبش "صیونیسیم" رسماً برپا گردید و بازگشت دسته جمعی یهودیان به سرزمین پدری آغاز شد و آبادانی این کشور را به دنبال آورد و پیش از پایان جنگ جهانی اول، دولت انگلیس حق یهودیان را برای برخورداری از خانه ملی پذیرفت و تا جنگ جهانی دوم شهرها و آبادی ها و شهرک های یهودی نشین بسیاری ساخته شد، و سال ها پیش از وقوع هولوکاست، موجودیت کشور آینده اسرائیل یک واقعیت انکار ناپذیر شده بود. بنابراین، برپائی دوباره کشور اسرائیل را نباید به پای هولوکاست نوشت.

نکته دوم آن که دولت قیم انگلیس نه فقط بابت هولوکاست تاوانی به یهودیان و اسرائیل نپرداخت، بلکه حتی ورود بازماندگان اردوگاه های مرگ به خاک پدری را نیز ممنوع ساخت و یهودیان با مبارزه سرسختانه خود، که گاهی جنبه مسلحانه نیز به خود می گرفت، بالاخره توانستند دولت قیم را بیرون رانند.

بنابراین، آن کس که می آید و ادعا می کند که اروپا به عنوان تاوان قربانی کردن یهودیان در هولوکاست آمد و کشور اسرائیل را برپا کرد و دو دستی تقدیم آنان داشت، یا چیزی از تاریخ و رویدادها نمی داند و یا آن که مغرضانه می خواهد حقایق را دگرگون جلوه دهد تا سود سیاسی ببرد و مردمان خود را فریب دهد.

امیر - در این زمینه هنوز در انتظارات توضیحات بیشتری از شما هستیم که به گفت و گوی بعدی موکول می کنیم.